



متن نامه عذرخواهی مرحوم آذری قمی از رهبر انقلاب برای نخستین بار در کتاب جدید آیت‌الله ری شهری منتشر شد

# روایت پشیمانی شیخ

کتاب «روشن بینی امام خمینی در نامه ۶ فروردین ۱۳۶۸» از سوی انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی منتشر شد

### تیتراهای امروز

گزارش «وطن امروز» از فیلم سینمایی «تل ماسه» که توجهات زیادی را به خود جلب کرده است از قطعی بودن مسأله منجی تا تلاش برای قرائت‌های غیردینی

## چشم به دروازه‌های نخستین



اجرای طرح «جوای جمعیت» از دوام، فرزندان آوری و درمان ناباروری را تسهیل می کند

## امید

## متولد می شود

دستور کار اصلی اجلاس «جی ۲۰» مسائل اقلیمی و کرونا بود اما اختلافات سیاسی و نظامی بر این اجلاس سایه انداخت

## جنگ و تخصص

## دستاوردهای جی ۲۰

در پی افزایش تنش در مرز سوریه با ترکیه رخ داد

## پیام آتشین پوتین

## واحد به اردوغان

نیروی هوایی سوریه مواضع نظامیان ترکیه در ادلب و شمال حلب را بمباران کرد

### نگاه

## تئوریسین‌های کودتا در دام کودتا!

حنیف غفاری: طی روزهای اخیر، اخبار قابل تاملی درباره وقوع کودتا در فرانسه منتشر شده است. روزنامه فرانسوی «لو پاریزین» به نقل از برخی منابع امنیتی مدعی شده است «رمی دیه» معاون سابق حزب جنبش دموکراتیک قصد داشته است با کمک افسران فعلی و بازنشسته پلیس، ژاندارمری و ارتش، یک کودتای نظامی در فرانسه ترتیب دهد و حتی یک شبکه گسترده در سراسر این کشور نیز ایجاد کرده بود. برخی اعضای این شبکه هنوز دستگیر نشده و حتی ممکن است در آینده نزدیک دست به اقدامات غیرقابل پیش‌بینی بزنند. هر چند «رمی دیه» این اتهام را تکذیب کرده است اما طی ماه‌های گذشته برخی افسران و ژنرال‌های بازنشسته ارتش فرانسه نیز آمادگی ضمنی خود را جهت انجام کودتایی نژادپرستانه در این کشور اعلام کرده بودند. در ظاهر امر، خنثی شدن کودتای نژادپرستان و ملی‌گرایان افراطی در فرانسه خبر خوبی محسوب می‌شود اما زمانی که بر مصادر و منابع رشد امواج نئونازیستی و نئوفاشیستی در این کشور متمرکز شویم، به وضوح متوجه می‌شویم احزاب سنتی و ظاهراً میانه‌رو در پاریس چه نقش بارزی در تقویت ملی‌گرای افراطی و رشد اسلام‌ستیزی سیستماتیک در فرانسه داشته‌اند.

در تحلیل امنیتی کودتای اخیر در فرانسه، به صورت ناخودآگاه باید به بررسی نقش خواهران دولتی اطلاعاتی پاریس بپردازیم: فرانسه که سازمان‌های امنیت داخلی (DGSI) و...

ادامه در صفحه ۶



نشانه‌های دستپاچگی آمریکا و ۳ کشور اروپایی از بازیابی توان هسته‌ای ایران، در بیانیه ضد ایرانی آنها پیداست

## ترسیده‌اند

هدف بیانیه طلبکارانه آمریکا و تروئیکای اروپا علیه ایران توسل به تهدید برای داشتن دست بالا در مذاکرات آتی است

### این بیانیه نشانه‌ای از اجرای راهکار پیشنهادی

دنيس راس، مشاور سياست خار جي اوباما به دولت بايدن مبني بر تلاش براي ترساندن ايران براي امتياز گيري است

## چین هراسی تاکتیک حامیان غرب‌بسن‌گی

### مسأله استعمار هوشمند

مثال دیگر، کشور مالزی است. این کشور نیز وام‌های کلانی از چین گرفته بود تا خطوط ریلی‌اش را توسعه دهد اما پس از اینکه مالزی نتوانست بدهی‌اش را تسویه کند، با چین بر سر میزان مذاکره نشست و چون دیگر قدرت چانه‌زنی نداشت، مجبور شد امتیاز بهره‌برداری از خطوط ریلی خود را به چین واگذار کند. چرا؟ چون این کشور نیز به جای آنکه از وام در بوجه عمرانی و سرمایه‌گذاری استفاده کند، آن را خرج بودجه جاری کرده بود.

دیگر ادعایی که مطرح می‌شود این است که چین سیاست‌های استعمار هوشمندانه را اعمال می‌کند، یعنی با سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیر، منابع غنی این کشورها را به غارت می‌برد. در این موضوع باید گفت این قراردادها با رضایت طرف منعقد می‌شود و بسیاری از کشورها بیان می‌کنند این وام‌ها به نفع آنان نیز بوده است؛ مانند کشورهای آفریقایی که سطح رفاه در زندگی آنان پس از سرمایه‌گذاری‌های چین افزایش یافت، بنابراین جالب است که غرب‌بسن‌دانان، هر نوع تعامل و توافق با غرب را «برد-برد» می‌دانند اما امکان وجود چنین توافقی‌هایی با کشورهای غیرغربی را منکر می‌شوند یا کوچک‌نمایی می‌کنند. در یک نشست پژوهشی در مؤسسه سلطنتی روابط بین‌المللی (Chatham House) که در لندن برگزار شد، پژوهشگران به این جمع‌بندی رسیدند که این

می‌دهند تا جایی که میزان وام‌ها فراتر از توان کشور و وام‌گیرنده برای بازپرداخت مبلغ بدهی می‌رود و در نتیجه آن کشور به علت بدهکار بودن، زیر سلطه کشور پیشرفته قرار خواهد گرفت. مولود پاکرون در یادداشتی در تجارت فردا (شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۰) می‌نویسد: «چین وام‌ها را در ازای یک تعهد مهم به کشورها اعطا می‌کند؛ اینکه باید از طریق امتیازات اقتصادی، حمایت سیاسی یا ترکیبی از هر دو پرداخت شوند». پاکرون برای این حامیان سیاست غرب‌بسن‌گی در تجارت باشد. در حالی که چین معمولاً متن اکثر قراردادهایش با کشورهای دیگر را علنی و رسانه‌ای نمی‌کند. بنابراین در وهله اول این ابهام و احتمال وجود دارد که این ادعا زاید ذهن حامیان سیاست غرب‌بسن‌گی در تجارت باشد. در حالی که شواهدی حاکی از آن است که چین در بسیاری از موارد، اعطای وام را مشروط به شرط خاصی نمی‌کند. برای نمونه سیدمحمدحسین ملائک، سفیر ایران در چین در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ می‌گوید: زمانی که سفیر ایران در چین بودم، دولت تقاضای وام ۵۰۰ میلیون دلاری از چین کرد، سپس در عین ناباوری این پول را خرج حقوق کارکنان مترو کرد، یعنی پولی را که می‌شد با آن ۲ ایستگاه مترو ساخت تا مشکلات حمل‌ونقل حل شود. تبدیل به حقوق و عیدی و این مسائل شد. پس می‌توان گفت «تله بدهی» یا «استعمار هوشمند» لزوماً در همه کشورها تقصیر دولت چین نیست و به نوع سیاست‌ها و عملکرد کشورهای وام‌گیرنده نیز مرتبط است.

### یادداشت

مانده منصور: باروی کرآمدن دولت سیزدهم، غرب‌بسن‌گی در سیاست خارجی کنار گذاشته شد و در کنار پیگیری بازگشت آمریکا به برجام، ارتباط حسنه با سایر کشورها مانند چین نیز تقویت شد. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای، برداشتن موانع خرید واکسن سینوفارم و ثبت میزان خرید چین از نفت ایران نشانه‌هایی از پیش‌رفتن در مسیر توافق ۲۵ ساله ایران-چین بودند اما حامیان سیاست غرب‌بسن‌گی که «به درستی» می‌پندارند اگر توفیقات ارتباط حسنه تجاری با کشورهای غیر غربی روزبه‌روز بیشتر شود، جامعه متوجه انزوای طلبی ارادی این جریان در ۸ سال گذشته خواهد شد. تلاش می‌کنند با چین‌هراسی، مانع تقویت روابط تجاری بین ۲ کشور شوند. این گروه، به طور مثال اخیراً در رسانه‌های شان چین را به ازدهایی برحرم تشبیه می‌کنند که هر جامی‌رود زمینی سوخته بر جا می‌گذارد و بر همین اساس اشاره می‌کنند که چین در آینده کشورمان را در دام خود گرفتار خواهد کرد؛ حال با پدیده «تله بدهی» یا سیاست «استعمار هوشمند» در یادداشت حاضر، به پاسخ این پرسش پرداخته‌ایم که این ۲ پدیده، تا چه حد برای ایران می‌تواند نگران‌کننده باشد.

ماجرای تله بدهی تله بدهی، سیاستی است که طی آن کشورهای پیشرفته به کشورهای در حال توسعه وام‌های کلان

خود کشورها هستند که با توجه به منافع فعلی سیاسی و اقتصادی‌شان انتخاب کرده‌اند چین در آنها سرمایه‌گذاری کند و اینگونه نیست چین عمداً به آنها وام‌های سنگین داده باشد تا زیرساخت ایجاد کند و سپس با برنامه قبلی، امتیاز استفاده از این زیرساخت‌ها را از آن خود کند.

### نفی رقیب برای اثبات خودا

از سال ۲۰۱۰ که اوباما سیاست اتحاد همه کشورها جز چین را اعمال کرد، چین نیز سیاست «همه جز آمریکا» را اعلام کرد. تا آن روز، غرب همواره زاین را رقیب اصلی خود می‌دانست اما اکنون چین را رقیب اصلی خود می‌داند. پس از آن تفکر غرب‌بسن‌سند، سیاه‌نمایی جدی علیه چین را شروع کرده، به گونه‌ای که نوامبر ۲۰۲۰، روزنامه Nikkei از یک روزنامه ژاپنی است و به زبان انگلیسی نیز منتشر می‌شود، مقاله‌ای با عنوان «فلسفه تله بدهی» منتشر و بیان کرد این ادعاها ناشی از جنگی زیرساختی است که یک طرف آن چین و طرف دیگر آن ایالات متحده آمریکا، استرالیا، هند و ژاپن هستند و این کشورها در مقابل چین، صف‌آرایی کرده‌اند، چرا که منافع خود را در خطر می‌بینند. موج این تبلیغات در حدی قوی است که پس از انتشار خبر توافقی ایران و چین بسیاری از رسانه‌های زرد غربیگر - حتی بدون مطالعه متن قرارداد- شروع به مخالف‌خوانی و برداشت‌های منفی کرده و تلاش کردند به مردم تلقین کنند چین موجودی خطرناک است.

### احتیاط، شرط عقل

جالب توجه این است که در روزهای اخیر، روزنامه اصلاح‌طلب آفتاب بزد پس از مدت‌ها ضمن اعتراف به مفاد مطلوب این قرارداد، ۳ مزیت کلیدی برای این توافق ذکر کرد: اول اینکه چین یکی از ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل است که حق وتو دارد، دوم قرارداد ۲۵ ساله با چین برای ایران، واجد این مزیت است که در نهایت باعث می‌شود تولید نفت و گاز ایران در ۳ میدان کلیدی کشور افزایش پیدا کند و سوم، سود نهایی ایران از توافق بلندمدت با چین در جایی است که چین پذیرفته واردات نفت از ایران را افزایش دهد. همچنین پس از موضوع سند ۲۵ ساله همکاری ایران و چین، بحثی درباره توافق بلندمدت بین تهران و مسکو مطرح شد؛ اتفاقی که خبر چندان خوشی برای کاخ سفید و راهبر فشار حداکثری آن نبود. پس مسلم بود موج تبلیغات منفی را علیه این کشورها روانه خواهد کرد. البته نگارنده در یادداشت حاضر با ذکر آنچه گفته شد، در صدد توضیح بی‌پایه بودن اظهارات منفی حامیان سیاست غرب‌بسن‌گی بود، بنابراین نباید از یادداشت حاضر اینطور برداشت کرد که هر تعامل تجاری با چین، تحت هر شرایطی «برد-برد» است. احتیاط در مبادلات تجاری، شرط عقل است. در نهایت اما آنچه مسلم است آنکه، هر نوع ارتباطی با چین نیز بد نبوده و الزاماً انطور که حامیان غرب‌بسن‌گی و مسیبان انزوای اختیاری ایران در ۸ سال اخیر می‌گویند، به معنای «تله بدهی» یا «استعمار هوشمند» نیست.